

او کشف شود. بازیگری که پیشتر در نقش های مکمل فراوانی هم بازی کرده بود اما به چشم نیامده یا حضورش زیر سایه دیگر بازیگران رنگ باخته بود، با نقش دوزن که وجه مشترکشان استقلال و سرسختی است، مورد توجه قرار گرفت. او در هر دو سریال به شخصیت هایی جان داده که می کوشند هویت زنانه خود را در فضایی بحرانی و نامتعادل حفظ

زین العابدین سعی کرده حضورش را فارغ از حاشیه ها تعریف کند و این شاید مهم ترین وجه تمایز او از بازیگران همسن و سالش باشد

کنند. نه سالار و نه ماهرخ، میرا از خطا نیستند اما هوش و غریزه زنانه و سرسختی شان برای قزو رفتن در گرداب مشکلات از آنها شخصیت هایی جذاب می سازد. دهه اخیر که مقابل دوربین سینما و تلویزیون بوده، فرصت درخشش نداشته است. وی نقش هایی کاملاً معمولی بازی کرده، اگر چه که کیفیت حضورش قابل قبول

بوده است، اما شاه نقشی او را از میان انبوه بازیگران جوان سینما و تلویزیون، متمایز نکرده بود. در کارنامه اش سریال های پر بیننده مانند «سقوط یک فرشته» یا «رقص روی شیشه» وجود دارد، اما همه چیز با «راهیم کن» شروع شد و نه حتی با «اسرافیل» (آیدا پناهنده) که حضور زین العابدین در نقش دختری جوان که مایل است با ازدواجی مناسب به

آرزوهایش برسد، قابل توجه بود و نه حتی با فیلم جنجالی «عرق سرد» (سهیل بیرقی) و در نقش دختری ورزشکار. او این روزها و در شرایطی که پس از «راهیم کن» مورد توجه قرار گرفته و در دومین همکاری اش با آیدا پناهنده، در نقش ماهی، حضوری مطایق انتظار او و همسرش و پدیدآورنده انواع و اقسام فیلم های سینمایی، یعنی بحران هاست. برای زین العابدین، بازی در «عطرآلود» به اندازه حضور در «عرق سرد» و «اسرافیل» امتیاز محسوب نمی شود، اما او با این

انتظار داریم، فیلمی اخلاقی و آرام است و به ماجرای عاشقانه علی (مصطفی زمانی) و عاطفه (هدی زین العابدین) می پردازد. زوال عشق، یکی از مضامین مورد علاقه مقدم دوست است. در این فیلم بیماری سخت علی، عامل تهدید کننده رابطه عاطفی او و همسرش و پدیدآورنده انواع و اقسام فیلم های سینمایی، یعنی بحران هاست. برای زین العابدین، بازی در «عطرآلود» به اندازه حضور در «عرق سرد» و «اسرافیل» امتیاز محسوب نمی شود، اما او با این

فیلم فرصت ایفای نقش اول زن را پیدا کرده و از این منظر، این یک شروع تازه در کارنامه بازیگری است که پیشتر با نقش های مکملش در سینما به خاطر مانده است. زین العابدین بازیگر بااستعدادی است و جاهت و اصالت دارد و سعی کرده حضورش را فارغ از حاشیه ها تعریف کند و این شاید مهم ترین وجه تمایز او از بازیگران همسن و سالش باشد. بازیگرانی که کمتر از آنچه باید درگیر حرفه شان هستند و شهرتشان را از حاشیه های اطراف، انتخاب ها، انبوه جراحی های زیبایی و اظهار نظرهای اغلب

اشتباه شان درباره پدیده های اجتماعی وام گرفته اند. راه زین العابدین، سال هاست از این بازیگران جداست، این گونه دور از موج های روز بودن یک پیامد منفی هم دارد و آن، کمتر یا دیر دیده شدن است. زین العابدین می توانست خیلی زودتر دیده شود، اما شاه نقش مارال، کمی دیر به او رسید. حالا نوبت یک نقش اساسی در سینماست، فرصتی برای تجربه کردن و خلق شخصیتی دور از مارال و ماهرخ. این مرحله، وضعیت زین العابدین را روشن می کند؛ بازیگر سینما یا سریال.

بپرد

پرونده های حقوقی و کیفری پتانسیل زیادی برای پرداخت سینمایی دارند و می شود این پرونده ها را به شکل هدفمند و برنامه ریزی شده آرشو کرد و در اختیار فیلمسازان قرار داد. با توجه به لایه های اجتماعی و روانشناسی این دست پرونده ها تا چه میزان حضور کارشناسان حوزه اجتماعی و روانشناسی در سیر پژوهش و فیلمنامه در راستای رسیدن به بازگردن درست اجتماعی این دست آثار لازم است و به اعتقاد شما بهترین روش این نوع همکاری چیست؟

به نظر من مهم ترین شیوه و مرحله ای که کارشناسان حوزه جامعه شناسی و روانشناسی می توانند به فیلم های از این جنس موضوعات کمک کنند در مسأله یابی است. در دانشگاه و فضای آکادمیک روانشناسی و جامعه شناسی پژوهش های خیلی خوب انجام می گیرد و به قول معروف نیز و مسائل مهم جامعه با سرعت بیشتری گرفته می شود اما متأسفانه هیچ وقت پیوند مستقیم بین اهالی سینما و دانشگاهیان برقرار نمی شود تا موضوعات و مسائلی که توسط دانشگاهیان به عنوان بحران شناسایی شده در اختیار فیلمسازان قرار گیرد. بر این اساس به نظر من مسأله یابی فیلم خیلی مهم است و با ایجاد این ارتباطی می توان امید داشت شاهد بازتاب مسائل مهم و ملتهب جامعه و موضوعاتی که جمع زیادی از افراد جامعه با آن درگیر هستند در آثار سینمایی باشیم. این در حالی است که در بسیاری از آثار سینمای ایران مخاطب خودش و مسأله اش را در فیلم نمی بیند چون فیلمساز سنجش درستی درباره اینکه یک موضوع چقدر متبلایه افراد جامعه است، ندارد. کارشناسان در درجه اول در این نقطه می توانند به کمک فیلمساز بیایند. به عنوان مثال اگر قرار است بر اساس پرونده های جنایی واقعی در کشور تولیداتی صورت بگیرد، خوب است سراغ موضوعاتی برویم که طیف گسترده تری از افراد جامعه را تحت الشعاع خودش قرار می دهد. در روند تولید فیلم هم مشارکت کارشناسان حوزه های روانشناسی، جامعه شناسی، حقوق و... در کنار فیلمساز و تأکید بر رویکردهای روانشناختی و جامعه شناسی تأثیربخش خواهد بود.

به بهانه اکران «عطرآلود» که این روزها روی پرده سینماست

گزارش

سارا مؤمنی

دانشجوی دکتری مدیریت رسانه

چند وقت پیش درباره یکی از کارگردانان آمریکایی خواندم که عمادانه، جنسی افراطی از خشونت را در فیلم هایش نشان می دهد و این گونه اصطلاحاً امضای خودش را در فیلم هایش دارد. به نظر من آمد که در دنیای هنر، این برای کارگردان خوب است که مخاطب با دیدن فیلمش، سریعاً حدس بزند که فیلم به باو تعلق دارد، اما ارزشمندی این اتفاق در چیز دیگری است؛ درست است که مؤلف بودن کارگردان اهمیت دارد و او را در ذهن مخاطب ماندگار می کند، اما اینکه مؤلف چه محتوا و مفهومی بسازد، از آن مهم تر است. به عنوان مثال هادی مقدم دوست که از کارگردانان و نویسندگان مطرح سینما و سریال کشورمان است، جهانی انسانی و اخلاقی در روح تمام آثارش مشاهده می شود و این قطعاً بیش از صرف مؤلف بودن یک کارگردان قابل توجه است. فیلمها و سریال هایی مانند «آرایش غلیظ»، «سربه مهر»، «بیهات»، «جسب زخم»، «سرباز» و «عطرآلود» را که در همین روزها در حال اکران است، کنار فیلمها و سریال های دیگر، «وضعیت سفید» می گذارم و می گویم هر تعداد از این فیلمها و سریال هایی که هادی مقدم دوست آن را نوشته یا ساخته دیده باشیم، جهان ذهنی نویسنده یا کارگردانش را به درستی و با لذت دریافت کرده ایم.

درون آدمها مهم است

ماه رمضان چند سال پیش بود که بعد از افطار با همان حال نزارمان می نشستیم پای تلویزیون که چت کردن سرباز و نامزدش را در سریال «سرباز» ببینیم، اما قصه همین نبود. اگرچه سریال «سرباز» به نظر برخی از منتقدان زیادی طولانی و کسدار بود، اما به قول خود آقای کارگردان، نمایش تغییرات درونی آدمها در تعامل با هم، آن هم در یک بازه زمانی دو ساله سربازی، به زمان نیاز داشت و حرف درستی هم بود. «نمایش تغییر و تحولات و ارتقای درونی آدمهای سریال، بویژه دو شخصیت اصلی»، این نیاز را ایجاد کرد که این سریال تا حدود ۵۰ قسمت نیز ادامه داشته باشد. مقدم دوست در مصاحبه چند سال پیش خود با آنتونیو شرکا درباره همین مسأله صحبت کرده بود و از تمایزش

به شناخت، کشف و به تصویر درآوردن آنچه در ذهن آدمها می گذرد، گفته بود؛ چیزی که در بسیاری از محتواهای رسانه های نادیده گرفته و عملاً به حوزه نظری روانشناسی سپرده می شود؛ البته باید بگویم این روزها شاهد موج تمرکز مسأله و محتوای روانشناختی در سریال های نمایش خانگی هستیم. همین درون آدمها منشأ اثر بسیاری از اتفاقات بیرونی و پیرامونی است، اما اغلب نادیده گرفته می شود. اتفاقی که در جهان داستان فیلمها و سریال های مقدم دوست می گذرد، از سر احترام به انسان و ذهنش، جزئی، لطیف و دقیق و در مقابل نادیده گرفتن این نوع مسائل است.

امضای ویژه کارگردان در تمام آثارش

مقدم دوست برای ملموس و عینی کردن درون آدمها در آثارش از راوی، نریشن و خودگونه استفاده می کند؛ اتفاقی که نوع خلافت آن در سریال «سرباز» با پیام های روزمره دوزج به یکدیگر و در فیلم سینمایی «عطرآلود» با فیلمبرداری و گفت و گو برای فرزندی که هنوز به دنیا نیامده، بازمانی شده است. این کارگردان در برنامه اقیانوس آرام» که برای نوجوانان بود، به درستی «روایت کردن داستان» را نوعی فکر کردن تلقی می کند و روایت در آثار مقدم دوست، کلید طلایی اتصال جهان درونی و انتزاعی آدمها به جهان بیرونی و ملموس آن است؛ همان چیزی که در بسیاری از آثار او مانند «وضعیت سفید» یا «سربه مهر» دیدیم. خودگونه های «امیر دیوونه» در سریال «وضعیت سفید» از روابط و تعاملات افراد دیگر قصه و ویلاک نویسی «صبا ارجمندی» در فیلم سینمایی «سربه مهر» در حالی مخاطب را با خود همراه می کند که حرف های زیادی از جهان درونی آدمهای مختلف به مخاطب منتقل کرده و قصه گویی اش از موقعیت ها و شخصیت های مدیون همین اتصال موفق مفاهیم ناملموس و به تصویر درآوردن آنهاست. مقدم دوست به نوعی این امضا را پای تمام آثارش دارد که خلق جهان داستان و قلمش در خدمت روایت درون انسان است.

جهان قصه با طعم «آدم بودن» و «اخلاق داشتن»

نکته قابل توجه در آثار مقدم دوست و نگاهش به مسأله و شخصیت ها این است که نمایش و تأکید بر جهان درونی آدمها به دلیل منشأ تغییر درونی و بیرونی بودن این جهان است.

ندارد و او فکر می کند در این آثار با شخصیت ها و مسائل منحصراً مواجه است که در دنیای بیرونی کارکردی برای او نداشته و خود او هم هیچ تجربه مشابهی ندارد و همراهی نمی کند. همین جا باید جهان انتزاع را از فانتزی جدا کنیم. مقدم دوست در آثارش به درون ذهن آدمها نزدیک می شود که میزان وزن و اثرش را بر پیرامون، آدمهای دیگر و مسائل مختلفی که برای همه آدمها اتفاق می افتد، نشان می دهد. استراتژی مقدم دوست برای مرز گذاشتن میان انتزاع و فانتزی، قرار دادن شخصیت های مختلف دیگر در «عطرآلود» نما و سکانس های تصویری درخشانی دارد که همگی به درستی در خدمت انتقال پیام نویسنده و کارگردان به مخاطب قرار گرفته و تخطی از جهان سینمایی مقدم دوست ندارد. یک جا در مصاحبه هادی مقدم دوست به این اشاره شده که خلق تمام این جهان برای نشان دادن این نکته است که آدمهایی که هر کدام جهان ذهنی خودشان را دارند، در حال تحمل یا صبر کردن هم در تعاملات و ارتباطات هستند، همین مسأله باعث ایجاد فشارها، آزار و اذیت های متقابل و ایجاد رحمت در کشیدن بار یکدیگر در زندگی می شود. در کنار تمام اینها یک رفتار بیرونی اما همچنین ناملموس و برآمده از درون آدمها را معرفی می کند؛ «فهمیدن یکدیگر» فهمیدن یکدیگر در سینمای مقدم دوست، نتیجه کلیدی است که به خودی خود در رویکردهای مختلف روانشناختی و جامعه شناسی و شخصیت آدمها در مواجهه با خودشان و دیگران معرفی شده، چیزی که با نگاهی ویژه و شیرین، به واسطه ایده «عطر» و عطرسازی در فیلم سینمایی «عطرآلود» به مخاطب نشان داده شده است.

ندارد و او فکر می کند در این آثار با شخصیت ها و مسائل منحصراً مواجه است که در دنیای بیرونی کارکردی برای او نداشته و خود او هم هیچ تجربه مشابهی ندارد و همراهی نمی کند. همین جا باید جهان انتزاع را از فانتزی جدا کنیم. مقدم دوست در آثارش به درون ذهن آدمها نزدیک می شود که میزان وزن و اثرش را بر پیرامون، آدمهای دیگر و مسائل مختلفی که برای همه آدمها اتفاق می افتد، نشان می دهد. استراتژی مقدم دوست برای مرز گذاشتن میان انتزاع و فانتزی، قرار دادن شخصیت های مختلف دیگر در «عطرآلود» نما و سکانس های تصویری درخشانی دارد که همگی به درستی در خدمت انتقال پیام نویسنده و کارگردان به مخاطب قرار گرفته و تخطی از جهان سینمایی مقدم دوست ندارد. یک جا در مصاحبه هادی مقدم دوست به این اشاره شده که خلق تمام این جهان برای نشان دادن این نکته است که آدمهایی که هر کدام جهان ذهنی خودشان را دارند، در حال تحمل یا صبر کردن هم در تعاملات و ارتباطات هستند، همین مسأله باعث ایجاد فشارها، آزار و اذیت های متقابل و ایجاد رحمت در کشیدن بار یکدیگر در زندگی می شود. در کنار تمام اینها یک رفتار بیرونی اما همچنین ناملموس و برآمده از درون آدمها را معرفی می کند؛ «فهمیدن یکدیگر» فهمیدن یکدیگر در سینمای مقدم دوست، نتیجه کلیدی است که به خودی خود در رویکردهای مختلف روانشناختی و جامعه شناسی و شخصیت آدمها در مواجهه با خودشان و دیگران معرفی شده، چیزی که با نگاهی ویژه و شیرین، به واسطه ایده «عطر» و عطرسازی در فیلم سینمایی «عطرآلود» به مخاطب نشان داده شده است.

بازسازی حرفه ای جهان سینمایی مقدم دوست در سینمایی «عطرآلود»

مقدم دوست در فیلم سینمایی «عطرآلود» که این روزها در حال اکران است، سفر مخاطب به جهان درونی شخصیت اصلی را در یک فضای سازی منحصر، لطیف و مؤثر قرار داده است. او موفق شده است

«این نکته به جنس قهرمان در داستان ما مربوط می شود. شما قهرمانان ایرانی در عرصه ای مانند دفاع مقدس را مرور کنید. آیا می توانید بگویید کنش همه این قهرمان ها منطقی بوده است؟ اساساً مگر گذشت، منطق بردار می آید؟ از خودگذشتگی می تواند منطقی باشد؟ این جنس قهرمانان ایرانی است

«این نکته به جنس قهرمان در داستان ما مربوط می شود. شما قهرمانان ایرانی در عرصه ای مانند دفاع مقدس را مرور کنید. آیا می توانید بگویید کنش همه این قهرمان ها منطقی بوده است؟ اساساً مگر گذشت، منطق بردار می آید؟ از خودگذشتگی می تواند منطقی باشد؟ این جنس قهرمانان ایرانی است



خانواده، نسبت و روابط زوجین، مرگ آگاهی، زندگی و تقلا برای باور شدن رادر ساختاری مناسب کنار هم قرار دهد و خلق معنا کند. این اتفاق با جهان عطر، عطرسازی و حس بویایی اتفاق می افتد، یعنی ناملموس ترین حس از حواس پنجگانه که حتی فعل مرسوم و غالب آن، «شمیدن» سو است. «عطرآلود» می تواند نقطه عطف خلق جهان و تصویر پدیده هایی در سینمای مقدم دوست باشد که به سختی قابل لمس و درک بوده و خوانش هر فرد از آن منحصر و متفاوت اما در نگاه جمعی، مطلوب و لطیف است.

نقطه قوت فیلم این است که ما در «عطرآلود» همچنان در سفر به درون شخصیتها برای فهم و نزدیک شدن به درون خودمان هستیم، وارد فانتزی، خیال و امر غیرواقعی نمی شویم



«برای پاسخ به این سؤال هم ابتدا باید به شناخت ناصحیح برخی افراد در کشور ما نسبت به سینما، اشاره کنم. نگاه های غلطی که متأسفانه برخی به آن دامن هم می زنند. سینما هنر «باهم دیدن» است. یعنی در این هنر فیلمساز باید به گونه ای فیلم بسازد که امکان تماشا برای همزمان آن از طرف چند عضو یک خانواده وجود داشته باشد.»

او با اشاره به سکانس افتتاحیه فیلم خود توضیح می دهد: «نشان دادن یک مرگ، هم می تواند به همراه جزئی باشد و هم عجیب یا زیبایی ها؛ سکانس ابتدایی

کارگردان «آبی روشن» در پایان توضیحات خود درباره پایان بندی این فیلم تأکید می کند: «تصمیمی که حاج یونس در پایان روایت فیلم می گیرد، تصمیم یک قهرمان است و قهرمان می تواند تصمیمی بگیرد که ما اساساً آن را باور نکنیم. از این جهت هم تصمیمش به نظر ما غیرمنطقی می آید که اساساً برپایه منطق گرفته نشده است. این شخصیت در داستان ما دلش را به دریا زده و دارد آزادی را تجربه می کند. خودش هم می فهمد که دارد آزمایش پس می دهد. می داند در موقعیت آزمایش قرار دارد پس نمی تواند بنا منقلش پیش برود.»

«این نکته به جنس قهرمان در داستان ما مربوط می شود. شما قهرمانان ایرانی در عرصه ای مانند دفاع مقدس را مرور کنید. آیا می توانید بگویید کنش همه این قهرمان ها منطقی بوده است؟ اساساً مگر گذشت، منطق بردار می آید؟ از خودگذشتگی می تواند منطقی باشد؟ این جنس قهرمانان ایرانی است

«این نکته به جنس قهرمان در داستان ما مربوط می شود. شما قهرمانان ایرانی در عرصه ای مانند دفاع مقدس را مرور کنید. آیا می توانید بگویید کنش همه این قهرمان ها منطقی بوده است؟ اساساً مگر گذشت، منطق بردار می آید؟ از خودگذشتگی می تواند منطقی باشد؟ این جنس قهرمانان ایرانی است



«این نکته به جنس قهرمان در داستان ما مربوط می شود. شما قهرمانان ایرانی در عرصه ای مانند دفاع مقدس را مرور کنید. آیا می توانید بگویید کنش همه این قهرمان ها منطقی بوده است؟ اساساً مگر گذشت، منطق بردار می آید؟ از خودگذشتگی می تواند منطقی باشد؟ این جنس قهرمانان ایرانی است

«این نکته به جنس قهرمان در داستان ما مربوط می شود. شما قهرمانان ایرانی در عرصه ای مانند دفاع مقدس را مرور کنید. آیا می توانید بگویید کنش همه این قهرمان ها منطقی بوده است؟ اساساً مگر گذشت، منطق بردار می آید؟ از خودگذشتگی می تواند منطقی باشد؟ این جنس قهرمانان ایرانی است